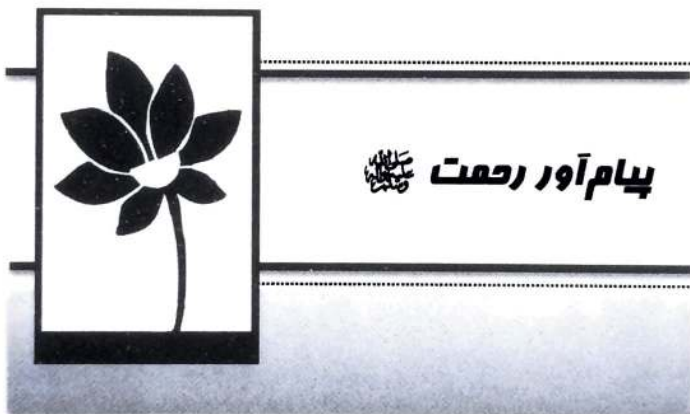


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾



مؤلف: دکتر راغب الحنفی السرجانی

مترجم: محمد حنیف حسین زائی

کتابفروش طیبین

www.Tayyebin.Net

۰۹۳۸۴۶۴۶۶۱۹

فهرست مطالب

۳	فهرست مطالب
۱۳	مقدمه مترجم
۱۵	یادداشتی از مترجم
۱۹	دیدگاه
۲۱	معرفی اجمالی مولف
۲۳	مقدمه بحث
۲۴	مقدمه مؤلف
۳۵	شیوه کار ما در تألیف این کتاب
۴۱	باب اول
۴۱	رحمت از دیدگاه رسول الله ﷺ
۴۲	باب اول: رحمت از دیدگاه رسول الله ﷺ
۴۳	فصل اول
۴۳	پیامبر ﷺ
۴۴	فصل اول: پیامبر ﷺ
۴۹	فصل دوم
۴۹	رحمت در کتاب و سنت
۵۰	فصل دوم: رحمت در کتاب و سنت

۶۱

فصل سوم

۶۱

جهان معاصر رسول خدا ﷺ

۶۲

فصل سوم: جهان معاصر رسول خدا ﷺ

۶۴

۱- وضعیت دولت بیزانس

۶۵

۲- وضعیت دولت فارس

۶۵

۳- وضعیت اروپای شمالی

۶۶

۴- وضعیت مردم مصر

۶۶

۵- وضعیت هند

۶۷

۶- یهود

۶۸

۷- وضعیت مردم شبه جزیره عربستان قبل از بعثت نبوی ﷺ

۷۱

باب دوم

۷۱

رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به مسلمانان

۷۲

باب دوم: رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به مسلمانان

۷۵

فصل اول

۷۵

رحمت و شفقت آن حضرت ﷺ نسبت به مستضعفان

۷۶

فصل اول: شفقت پیامبر ﷺ نسبت به مستضعفان

۷۷

مستضعفین چه کسانی اند؟

۸۰

شفقت آن حضرت ﷺ نسبت به کهن سالان و والدین.

۸۴

شفقت آن حضرت ﷺ نسبت به کودکان

۹۰

شفقت آن حضرت ﷺ به زنان

۹۵

شفقت آن حضرت ﷺ نسبت به خدمت کاران و بردگان

- ۱۰۰ شفقت و مهرورزی آن حضرت ﷺ نسبت به فقرا و نیازمندان
- ۱۰۶ شفقت پیامبر ﷺ به افراد مصیبت زده
- ۱۱۷ فصل دوم
- ۱۱۷ رحمت و شفقت آن حضرت ﷺ نسبت به خطاکاران
- ۱۱۸ فصل دوم: رحمت و شفقت آن حضرت ﷺ با خطاکاران
- ۱۲۰ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ با جاهلان
- ۱۲۴ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ با گناهکاران
- ۱۳۸ رحمت و عطوفت پیامبر ﷺ نسبت به کسانی که در حقش اشتباه می کنند
- ۱۴۵ فصل سوم
- ۱۴۵ رحمت و شفقت آن حضرت ﷺ نسبت به امت در زمینه‌ی عبادات
- ۱۴۶ فصل سوم: رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به امت در زمینه‌ی عبادات
- ۱۵۰ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ در رابطه با نماز و تلاوت قرآن
- ۱۵۵ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ در امور روزه
- ۱۶۰ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ در امور صدقات
- ۱۶۵ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ در امور حج و عمره
- ۱۶۹ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ در امور جهاد
- ۱۷۷ فصل چهارم
- ۱۷۷ رحمت و شفقت آن حضرت ﷺ نسبت به عموم امت
- ۱۷۷ فصل چهارم: رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به عموم امت
- ۱۷۸ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به امت

۱۸۷ رحمت و مهرورزی پیامبر ﷺ نسبت به رعیتش

۱۹۳ فصل پنجم

رحمت و شفقت آن حضرت ﷺ نسبت به مسلمانان در حال مرگ و

۱۹۳ پس از مرگ

فصل پنجم: رحمت و مهرورزی پیامبر ﷺ نسبت به مسلمانان در حال مرگ و

۱۹۴ پس از مرگ

۱۹۵ رحمت و مهرورزی پیامبر ﷺ نسبت به مسلمانان به هنگام مرگ

۲۰۴ رحمت و مهرورزی پیامبر ﷺ نسبت به مسلمانان در قبرهایشان

۲۰۸ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به مسلمانان در روز قیامت

۲۱۵ باب سوم

۲۱۵ رحمت و شفقت آن حضرت ﷺ نسبت به غیر مسلمانان

۲۱۶ باب سوم: رحمت و مهرورزی پیامبر ﷺ نسبت به غیر مسلمانان

۲۱۹ فصل اول

۲۱۹ دیدگاه اسلام نسبت به جنس بشری

۲۲۰ فصل اول: دیدگاه اسلام نسبت به جنس بشری

۲۲۹ فصل دوم

رحمت و مهرورزی پیامبر ﷺ نسبت به غیر مسلمانان در جوامع

۲۲۹ اسلامی

فصل دوم: رحمت و مهرورزی پیامبر ﷺ نسبت به غیر مسلمانان در جوامع اسلامی

۲۳۰

۲۳۱ رحمت و مهرورزی نسبت به غیر مسلمانان، منهجی الهی است

- ۲۳۳ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به غیر مسلمانان
- رحمت و عطف پیامبر ﷺ نسبت به غیر مسلمانانی که وی را مورد آزار و شکنجه قرار دادند

۲۵۱ فصل سوم

۲۵۱ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ در پرهیز از جنگ

۲۵۲ فصل سوم: رحمت و مهرورزی پیامبر ﷺ در پرهیز از جنگ

۲۵۳ صلح و امنیت در اسلام

۲۵۷ مسلمان نمی جنگد، جز با کسی که با او بجنگد

۲۶۱ انگیزه جنگ‌های پیامبر ﷺ

۲۶۶ جنگ‌های پیامبر ﷺ با مشرکان

۲۷۴ جنگ‌های پیامبر ﷺ با یهود (نقشه شماره ۴)

۲۷۸ جنگ‌های پیامبر ﷺ با مسیحیان

۲۸۳ فصل چهارم

۲۸۳ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ در زمان جنگ

۲۸۴ فصل چهارم: رحمت و شفقت پیامبر ﷺ در زمان جنگ

۲۸۵ آمادگی دورنی برای پذیرفتن اندیشه محافظت از خون‌ها

۲۹۰ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به شهروندان و مجبورشدگان به جنگ

۲۹۲ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به کودکان جنگجو

۲۹۴ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به زنان

۲۹۵ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ به افرادی که در شرایط خاصی قرار داشتند

۲۹۷ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ به کشتگان و امثال آنان

۲۹۹ پیا نکردن فساد در زمین

۳۰۰ عدم خونریزی در جنگ‌های نبوی ﷺ

۳۰۵ وفای رحمت

۳۰۹ فصل پنجم

۳۰۹ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به اسیران

۳۱۰ فصل پنجم: رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به اسیران

۳۱۱ وضعیت اسیران در جهان قبل و پس از ظهور اسلام

۳۱۶ قانون عفو اسیران از دیدگاه رسول الله ﷺ

۳۲۶ برخورد رسول خدا ﷺ با اسیرانی که تحت مراقبت بودند

۳۳۳ فصل ششم

۳۳۳ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به رهبران دشمنان

۳۳۴ فصل ششم: رحمت و گذشت پیامبر ﷺ نسبت به رهبران دشمنان

۳۳۶ رحمت و گذشت پیامبر ﷺ نسبت به ابوسفیان بن حرب

۳۴۳ رحمت و گذشت پیامبر ﷺ نسبت به عکرمة بن ابوجهل

۳۴۷ رحمت و گذشت پیامبر ﷺ نسبت به صفوان بن امیه

۳۵۳ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به سهیل بن عمرو

۳۵۶ رحمت و گذشت پیامبر ﷺ نسبت به فضاله بن عمیر

۳۵۷ رحمت و شفقت پیامبر ﷺ نسبت به هند بنت عتبہ

۳۶۳ باب چهارم

۳۶۳ شبهات و پاسخ به آنها

۳۶۴ باب چهارم: شبهات و پاسخ آنها

- ۳۶۷ فصل اول
- ۳۶۷ شبهاتی پیرامون خشونت و جنگ‌ها
- ۳۶۸ فصل اول: شبهاتی پیرامون خشونت، تروریسم و جنگ‌ها
- ۳۶۹ شبهه اول: گسترش اسلام با زور شمشیر
- شبهه دوم: حمله به کاروانهای قریش و توجه آن حضرت ﷺ به دنیا و جمع غنایم
- ۳۷۳
- شبهه سوم: چگونه پیامبر رحمت، خون مردانی از قریش را در فتح مکه هدر نمود؟
- ۳۷۷
- ۳۸۰ شبهه چهارم: برخورد پیامبر ﷺ با یهودیان بنی قریظه
- ۳۸۵ فصل دوم
- ۳۸۵ شبهاتی ویژه به زندگی عمومی پیامبر ﷺ
- ۳۸۶ فصل دوم: شبهاتی ویژه زندگی عمومی پیامبر ﷺ
- ۳۸۷ شبهه اول: تعدد همسران پیامبر ﷺ، نوعی بی‌رحمی نسبت به زنان است
- ۳۹۰ شبهه دوم: دریافت جزیه با مبدأ رحمت تناقض دارد
- شبهه سوم: اجرای حدود شریعت در برابر جنایت‌هایشان، نوعی سختی و قساوت بر مردم است
- ۳۹۳
- ۳۹۷ باب پنجم
- ۳۹۷ دیدگاه غیر مسلمانان نسبت به رحمت
- ۳۹۹ فصل اول
- ۳۹۹ بی‌رحمی
- ۳۹۹ فصل اول: بی‌رحمی

- ۴۰۱ عمکرد حاکمان جور و استبداد در جنگ‌ها
- ۴۰۱ جنگ‌های صلیبی
- ۴۰۴ دادگاه‌های تفتیش عقاید
- ۴۰۴ تاتار
- ۴۰۵ نابودی سرخ پوستان
- ۴۰۵ جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م)
- ۴۰۶ کشتار گاه قرقیزستان (۱۹۱۷-۱۹۱۶م)
- ۴۰۶ جنگ اسپانیا (۱۹۳۹-۱۹۳۶م)
- ۴۰۷ حرکت پاکسازی شوروی (آگوست ۱۹۳۶م)
- ۴۰۷ جنگ چین و ژاپن (۱۹۴۳-۱۹۳۷م)
- ۴۰۷ جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹م)
- ۴۰۸ جنگ بریتانیا (آگوست ۱۹۴۰م)
- ۴۰۸ حملات هوایی علیه آلمان (۱۹۴۵-۱۹۴۳م)
- ۴۰۹ هیروشیما و ناکازاکی (آگوست ۱۹۴۵م)
- ۴۰۹ تقسیم هند (ژوئن ۱۹۴۷م)
- ۴۰۹ جنگ کره (۱۹۵۲-۱۹۵۰م)
- ۴۱۰ تصفیة مخالفان از چین (فوریه ۱۹۵۱م)
- ۴۱۰ تراژدی ترکستان شرقی (۱۹۵۳-۱۹۴۹م)
- ۴۱۱ نبرد ویتنام (۱۹۷۵-۱۹۶۴م)
- ۴۱۱ کشتار گاه صبرا و شتیلا (سپتامبر ۱۹۸۲م)
- ۴۱۱ جنگ ویرانگر رواندا (۱۹۹۴-۱۹۹۰م)

- ۴۱۲ قتل عام مسلمانان در بوسنی و هرزگوین (۱۹۹۵ - ۱۹۹۲م)
- ۴۱۲ تراژدی چین (۱۹۹۷ - ۱۹۹۴م)
- ۴۱۴ وضعیت کشورهای جهان در زندگی عمومی روز مره
- ۴۱۴ ۱- تجارت زنان
- ۴۱۵ ۲- عقیم سازی اجباری
- ۴۱۵ ۳- بکار گیری زنان در درگیری های مسلحانه و پس از آن
- ۴۱۶ ۴- خشونت علیه زنان در منزل
- ۴۱۶ ۵- رفتار کشورهای جهان با کودکان
- ۴۱۹ فصل دوم
- ۴۱۹ و اینک گواهی بزرگانی از غیر مسلمانان
- ۴۲۰ اینک گواهی بزرگانی از غیر مسلمانان

مقدمه مترجم

سید الکونین ختم المرسلین
بعد از این گویم درود مصطفی
آخر آمد، بُود فخر اولین
آن که عالم یافت از نورش صفا
مسجد او شد همه روی زمین
شد وجودش رحمة للعالمین

الحمد لله و کفی و سلام علی عبادہ المصطفی، اما بعد:

خداوند حضرت محمد ﷺ را آخرین پیامبران، و به عنوان اسوه والگوی بشریت فرستاد تا همهٔ انسانها در تمام شئون زندگی از وی پیروی نمایند. بنابراین، رسالت نبوی، رسالت جهانی و فراگیر است و بعثت وی به منزلهٔ بعثت انسانیت، سعادت، عدالت، رحمت، شفقت و عطوفت است.

سیرهٔ نبوی از آغاز تا پایان، مملو از جلوه‌های رحیمانه و مظاهر لطف و مهرورزی بوده و زمانی ما به حقیقت واقعی سیرهٔ نبوی و مقام و منزلت این انسان والا، و بزرگترین و کاملترین الگوی بشریت پی خواهیم برد که با نگاهی عمیق به مطالعهٔ زندگی این شخصیت بپردازیم

این کتاب، سیرهٔ نبوی را از زاویهٔ رحمت و مهرورزی، شفقت و عطوفت، مورد بررسی قرار داده و با جرأت می‌توان گفت: زمانی ما به فهم دقیق سیرهٔ نبوی ﷺ خواهیم رسید که این کتاب را خط به خط و نکته به نکته مورد مطالعه قرار دهیم. و در یک جمله کوتاه می‌گوییم: این کتاب تفسیری جامع و کامل از آیه: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) است.

امیدوارم با ترجمهٔ این کتاب موجبات خوشنودی خداوند و رضایت و رحمت

رحمان را جلب نموده و شفاعت پیام آور رحمت ﷺ را در قیامت فراهم نمایم.

محمد حنیف حسین زائی

۱۳۹۲/۴/۴ ش.

Hanif2359@yahoo.com

یادداشتی از مترجم

الحمد لله وكفى وسلام على عباده الذين اصطفى

پس از فروپاشی امپراطوری بزرگ اسلام و شکست دولت عثمانی کبیر و تجزیه‌ی جهان اسلام به دویلات کوچک و کوچک‌تر و در عین حال مستعمره و دست‌نشانده‌ی قدرت‌های شرق و غرب و اشغال قدس و شکل‌گیری غده‌ای سرطانی در قلب جهان اسلام به نام اسرائیل و حملاتی مستقیم علیه تعالیم اسلام و بالطبع به خود اسلام و نبی اسلام و لغو قوانین اسلامی و جایگزین کردن قوانین غربی و شرقی به جای آن، وضعیتی بسیار اسف‌بار به امت اسلام دست داده و نگرانی و سراسیمگی، ضعف اراده و ایجاد شک و تردید در فرمان خدا و رسول او سراسر وجود مسلمانان را فرا گرفته بود.

چنان وضعیتی بر اسلام حاکم بود که هر داعی مشفق و رهبر بیداردلی را به سوگواری و نوحه سرایی وادار می‌کرد. در چنین وضعیتی بود که بیدارگر شرق و فیلسوف اسلام، اقبال لاهوری در قالب شعری حال و وضع مسلمانان را توصیف نموده و می‌سراید:

شبی پیش خدا بگریستم زار *** مسلمانان چرا خوارند و زارند

ندا آمد نمی‌دانی که این قوم *** دلی دارند و محبوبی ندارند

اما در عین حال، علماء، مصلحان، مربیان و دلسوختگان امت بی‌کار ننشسته و برای احیا و اعلای شریعت و ایمان به فرموده‌ی الله: «وَكُنْ يَجْعَلَ اللَّهُ

لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» [النساء: ۱۴۱] و یقین به فرموده‌ی نبی اسلام ﷺ «الإسلامُ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى» (صحیح بخاری) برای مقابله با چالش‌های

موجود، فعالیت‌های خویش را در قالب تأسیس دانشگاه‌ها، مدارس دینی، تشکیل احزاب سیاسی، دعوی و فرهنگی، چاپ و نشر مجلات و کتب، برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها و در صورت نیاز بردن دست به اسلحه برای نجات کشور و میهن خویش از دست ظالمان و غاصبان به مرحله‌ی اجرا درآوردند.

تا این که به لطف و یاری پروردگار و اخلاص و فداکاری این مخلصان، نهالشان به ثمر رسید و جهان اسلام و برخی دول عربی «الربیع العربی» را تجربه نموده و شاهد سرنگونی دیکتاتورها و فرعون‌های معاصر یکی پس از دیگری بوده و نسیم شادمانی را از باغ طراوت جهاد، تلاش و اخلاص مؤمنان راستین استشمام می‌کرد و گویا روح جدید در کالبد امت اسلامی در حال دمیدن بود و قطعاً این آن چیزی بود که جهان غرب را به شدت نگران ساخته و از بیداری امت اسلام و تشکیل حکومت اسلامی بر پایه‌ی شریعت اسلام آنان را به هراس انداخته و منافع پوچ دنیوی و کرسی چند روزه‌ی خویش را در خطر می‌دیدند.

زمانی به ترجمه‌ی این کتاب اقدام نمودم که ملت مسلمان و مجاهد مصر با اوج سربلندی و امید به آینده‌ی درخشان، بر پایه‌ی شریعت اسلام و با شعار «الشرعیة والشریعة» دل بسته بودند، اما از جهتی دیگر تراژدی و فاجعه‌ی سوریه - که هنوز هم ادامه دارد - قلب و وجدان آدمی را می‌آزرد و با مطالعه‌ی مطالب این کتاب که از سیرت سرور اولاد آدم و مواضع مشفقان و رحیمانه‌ی برترین انسان روی زمین، حضرت محمد ﷺ سخن می‌گوید، تسلی و تشفی می‌جست.

اما پس از آن که ترجمه‌ی کتاب به پایان رسید، امت اسلامی فاجعه‌ای بسیار وحشتناک و صحنه‌ای تکان دهنده و بسیار ناجوانمردانه را در سرزمین مؤلف کتاب، مصر، تجربه کرد. چنان که ارتش کودتاگر، با زیر پا گذاشتن تمام معیارهای بین‌المللی و کنار گذاشتن تعهدات انسانی و وجدانی، علیه حکومت قانونی و رئیس

جمهور مردمی مصر شورید و با زندانی کردن رئیس جمهور و رهبران اسلامی انقلاب آنان را مصادره و حزب فداکار اخوان المسلمین را منحل اعلام کرد و در واقع عملاً برنامه‌های طاغوتی و فرعون‌ی را به مرحله‌ی اجرا گذاشت.

با توجه به این حادثه‌ی بسیار تلخی که ملت مظلوم و ستمدیده‌ی مصر تجربه نمود، نه این که از هیچ جای دنیا پیامی تشفی بخشی از طرف منادیان دموکراسی و مدافعان حقوق بشری دریافت نمود، بلکه اظهارات اخیر جان کری، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، که از برخی خبرگزاری‌ها پخش شد، مبنی بر این که جنبش اخوان المسلمین، انقلاب مردم مصر را در ۲۵ ژانویه ی ۲۰۱۱ میلادی به یغما برده و از مسیر منحرف ساخته است، ما را به حقیقت امر و ادعاهای دروغینشان بیشتر آگاه ساخت.

اما نگارنده‌ی این سطور امت اسلام را نوید می‌دهد، امیدوار باشید و این آیه‌ی قرآن را نصب العین خویش قرار دهید:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» [آل عمران:

۱۳۹].

بدانید که این وضعیت برای همیشه باقی نخواهد ماند و امید است که خداوند همه‌ی این شرایط را به نفع امت مسلمان رقم خواهد زد و همه‌ی این رویدادها و جریانات را به سمت خلافت بزرگ اسلامی سوق خواهد داد ان شاء الله:

«وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ» [إبراهیم: ۲۰].

و اما این کتاب

به طور خلاصه به عرض خوانندگان می‌رسانم که این کتاب، سیره‌ی نبوی را از زاویه‌ی رحمت و مهرورزی، شفقت و عطفوت، مورد بررسی قرار داده و به جرأت می‌توان گفت: زمانی ما به فهم دقیق سیره‌ی نبوی صلی الله علیه و آله و سلم خواهیم رسید که این کتاب را خط به خط و نکته به نکته مورد مطالعه قرار دهیم و در یک جمل ی

کوتاه می گویم: این کتاب تفسیری جامع و کامل از آیه: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» [الأنبياء: ۱۰۷] است.

توصیه‌ی مترجم به عنوان یک برادر اسلام و انسانی این است که هر فرد منتسب به اسلام یا هرا اندیشمندی که خواهان آشنایی با مکتب اسلام و پیامبر اسلام ﷺ است و بلکه هر مربی، سیاستمدار، فرمانده، حاکم و زمامدار، این کتاب را مورد مطالعه‌ی خویش قرار دهد.

محمد حنیف حسین زائی

استاد دارالعلوم حقانیه ایرانشهر

۱۳۹۲/۹/۲۵

Hanif2359@yahoo.com

مقدمه مؤلف

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُ بِهِ وَنُسْتَهْدِيهِ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، إِنَّهُ مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ.

تردیدی نیست که شریعت و قانون اسلامی قله‌های تکامل را فتح نموده و در ابداع و نوآوری به اوج خود رسیده است. برای تعریف این قانون و شریعت محکم و پایدار بیان پروردگارمان کافی است که در آیات پایانی کلامش فرموده است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را (بعنوان) دین برای شما برگزیدم.»

بنابراین دین اسلام کامل است و هیچ نقصی در آن وجود ندارد و نعمت اسلام تام است و کوتاهی در آن راه ندارد و شریعت و قانون اسلام هیچ امر بزرگ و کوچکی را برجا نگذاشته مگر آن که حکمش را بیان داشته و شیوه تعامل با آن را ابراز داشته است. خداوند فرموده است: ﴿وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾^۱ «و (ما این) کتاب را بر تو نازل کردیم، که بیانگر همه چیز است.»

رسول خدا ﷺ در حدیثی از طریق عرباض بن ساریه رضی الله عنه می‌فرماید: «لَقَدْ تَرَكْتُمْ عَلَى الْبَيْضَاءِ، لَيْلَهَا كَنَهَارُهَا، لَا يَزِيغُ عَنْهَا بَعْدِي إِلَّا هَالِكٌ»^۲: «من شما را بر شریعتی

^۱ - ماده ۳.

^۲ - نحل ۸۹.

^۳ - سنن ابن ماجه (۴۳)، مسند احمد (۱۷ ۱۸۲)، مستدرک حاکم (۳۳۱)، البانی این حدیث را در صحیح الجامع (۴۳۶۹) صحیح دانسته است.

روشن رها کردم که شب و روز آن با هم مساوی اند و کسی جز فرد هلاک شده از آن منحرف نمی‌شود».

بی‌گمان زندگانی رسول خدا ﷺ نمونه‌ی تطبیق عملی تمام احکام شریعت بوده است و این زندگی را برای ما به شیوه‌ی زیبا عرضه داشته که شامل تمام رویدادهایی است که فرد یا گروه یا تمام امت می‌توانند به آن عمل کنند.

رسول خدا ﷺ در دوران حیات مبارک شان با تمام طوائفی که ممکن بود مسلمانان با آنها برخورد نمایند، تعامل نمود و همه‌ی اوضاع و شرایطی را که احتمال داشت، امت اسلامی با آن مواجه گردد، پشت سر گذراند. مرحله‌ی ای از عمر مبارک در ضعف و بخشی از آن را در جنگ و پاره‌ی ای را در قدرت و زمانی را در دوران صلح بسر برده است.

آری سیره‌ی نبوی، شاهد اعجاز و قدرت شگفت‌انگیز الهی در انبوه رویدادهایی بوده است که این امکان را برای مسلمانان فراهم می‌کند تا در تمام شرایط و در هر زمان و هر مکانی با آن روبرو شوند و همه‌ی این رویدادها فقط در ظرف بیست و سه سال شکل گرفته‌اند و آن هم صرفاً به خاطر این که این رهنمودهای حکیمانه‌ی الهی متحقق شود که فرموده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾: «یقیناً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است، برای آنان که به خدا و روز آخرت امید دارند، و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

پیامبر خدا ﷺ با همه‌ی اموری که با آن روبرو می‌شد با شیوه‌ی ای نادر و زیبا تعامل می‌کرد و با سنت پاکش، گنجهای قابل ملاحظه و حیرت‌انگیز را در زمینه رفتار و کردار و آداب معاشرت را به روی ما گشوده، و اخلاق والای ایشان در تمام لحظات و جوانب حیات مبارکش، بسان عنصری تأثیرگذار در تمام تصرفاتش متبلور گردید. و به طور قطع و یقین هیچ گفتار یا کردار آن حضرت ﷺ از اخلاقی نیکو و ادبی والا خالی نبوده و - بدون اغراق و گزافه‌گویی می‌توان گفت که - به قله‌های کمال بشری و انسانی نایل آمده است و این چیزی است که می‌توان آن را از این فرموده‌ی فهمید و

درک نمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»: «مبعوث شده ام تا مکارم اخلاقی را به پایهٔ تکامل برسانم.»

بدین ترتیب هیچ صحنه، رویداد، گفتار و عکس العملی از آن حضرت ﷺ حتی در لحظات دشواری که تصور اخلاق به عنوان اهرمی تأثیر گذار سخت به نظر می‌رسد، از بروز آشکار زیبایی اخلاق خالی نبوده است و این برخورد زیبایی اخلاقی در امور جنگ و سیاست، و در برخورد با ستمگران، فاسقان و جنگجویان کاملاً نمایان بوده است. برای بسیاری از انسانها که در سیاست، اقتصاد، جنگ، قضاوت و داوری و یا همهٔ اموری که در زندگی، بسیار پیچیده به نظر می‌رسند، برایشان بسیار دشوار است تا تعامل و برخوردهایشان را با دایره اخلاقی و ضوابط انسانی منطبق سازند، اما پژوهشگری که در زمینهٔ سیرهٔ نبوی تحقیق می‌کند و با نگاهی ژرف در رویدادهای سیرهٔ نبوی می‌نگرد، به وضوح و بدون استثنا و گزافه‌گویی، این دایره‌ها و ضوابط اخلاقی را در تمام صحنه‌های سیرهٔ نبوی مشاهده می‌کند. و این اخلاق آن چیزی است که خداوند عزوجل آن را ستوده و در توصیف آن فرموده است: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ﴾: «و یقیناً تو (ای محمد) بر اخلاق و خوی بسیار عظیم و والایی هستی.»

از این جاست که ما شاهد عظمت اخلاق نبوی در سیره هستیم و عظمت وی در زمینهٔ تئوری و عملی آشکار بوده است. رسول خدا ﷺ ثابت کرده است که رهنمودهای ارزشمند و دستورالعمل‌های ایده آلی که قرآن به ارمغان آورده است، چیزی جز قواعد اجرایی که قابل عمل اند، نبوده است و این دستورالعمل‌ها شایستگی و صلاحیت منظم نمودن زندگی همهٔ انسان‌ها را دارند و دلیل آشکاری است برای کسانی که حقیقتاً به دنبال هدایت هستند. همان گونه که حیات آن حضرت ﷺ شرح حال راستینی در برابر هر امر الهی است. حضرت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها چه زیبا و راست اخلاق رسول گرامی ﷺ را توصیف نموده و فرموده است: «كَانَ خَلْفَهُ الْقُرْآنُ»^۲ یعنی اخلاق آن

۴- قلم/

مسند احمد (۲۵۳۴۱) علامه شعیب ارنؤوط گفته است: اسنادش به شرط بخاری و مسلم صحیح اند. ابائی نیز این حدیث را در جامع الصحیح (۴۸۱۱) صحیح دانسته است.

حضرت ﷺ قرآن بود.

با وجود برخورداری از این اخلاق شکوهمند، و این زندگی عالی و برجسته موثق و ثبت شده، چه بسیار انسان‌ها را می‌بینی که منکر آن بوده و دورغش می‌انگارند، حتی پا را از مرحله تکذیب و انکار فراتر گذاشته و به بدگویی، اتهام، و سب و شتم می‌پردازند! حقیقتاً انسان در برابر این جنبشهای تهاجمی علیه اسلام و اتهامات علیه بهترین انسان و سرور فرزندان آدم ﷺ به حیرت می‌افتد و از روی شگفتی می‌پرسد: چگونه چشمانشان، نور درخشان را نمی‌بینند و خرده‌هایشان حقیقت آشکار را درک نمی‌کنند؟! قطعاً این سردرگمی و دهشت از بین می‌رود و شک و تردید متلاشی می‌گردد آن گاه که به احوال این منکران تکذیب‌گر و اتهام‌آفرینان نفرین شده می‌نگریم.

این افراد از دو گروه خالی نیستند، یا کینه توزاند و یا نادان.

گروه اول از علم و درایت کافی برخوردارند و با وضوح، حقیقت را می‌بینند، ولی با میل و اراده خود ترجیح داده اند تا از دیگران پیروی کنند. اما چرا انکار نموده و مخالفت و عناد می‌کنند؟ این امر اسباب و علل فراوانی دارد؛ دسته ای به خاطر دنیا طلبی و گروهی جهت منافع شخصی و جمعی به خاطر پیروی از خواهشات و عده ای به سبب حسادت و تعصب به چنین امری اقدام می‌کنند.

این افراد دسته‌های منحرفی هستند که دلیل این کارشان کمبود علم نیست و نیاز به اقامه دلیل و حجت ندارند. خداوند در مورد این افراد می‌فرماید: ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾: «و آن را از روی ستم و سرکشی انکار کردند، در حالی که دل‌هایشان به آن یقین داشت، پس بنگر عاقبت مفسدان چگونه بود.»

این افراد، شامل جنایتکاران بزرگ، سران فتنه و گمراهی و پیروان ابلیس ملعون می‌باشند که در هر زمانی وجود داشته و زمان هیچ پیامبر، راستگو و فرد صالحی از این

این گروه که از روی اراده قلبی با دین مبارزه می‌کنند و از روی قصد، با فضیلت و اخلاق می‌جنگ‌اند و از روی تلذذ به آبرو و ناموس نیکان حمله می‌کنند، در مقایسه با کسانی که به دین ایراد وارد می‌کنند و به این شیوه مشغول‌اند، ناچیز به شمار می‌روند. اگر این‌ها اقلیت ناچیزی را تشکیل می‌دهند، پس به نظر شما آن افراد قابل ملاحظه و جمعیت انبوه چه افرادی هستند؟

افراد گروه دوم، مردم نادانی هستند که از رهبران کفر و گمراهی پیروی می‌کنند. اینها عامه مردم اند که دین را از منابع اصلی آن فرا نگرفته‌اند؛ بلکه چنین برایشان وانمود شده که دین نوعی نوآوری و بدعت نازیبا، رسومات کهنه، و یا افکار منحرف است. از این رو اینها بسان گله‌ای گوسفند به دنبال ابلیسان به راه افتاده و در رکاب آنان به سوی پرتگاه نابودی رهسپار گشته‌اند در حالی که گمان می‌کنند کارشان خوب و پسندیده است.

این دسته را افراد نادان تشکیل می‌دهد که از بضاعت علمی برخوردار نیستند، یا افراد ساده لوحی هستند که نیازمند شرح و توضیح‌اند، و حتی می‌توان گفت افراد باهوش و خردمندی هستند که نیاز دارند برایشان دلیل و حجت اقامه شود. قطعاً این دسته به علم و دانش نیازمنداند!

این افراد از روی میل و رغبت درونی به نبرد بر نمی‌خیزند و ناسزاگویی شان از روی علاقه و اشتیاق نیست و از روی اعتقاد، اندیشه و تصمیم به اسلام حمله نمی‌کنند و به رسول خدا ﷺ طعن وارد نمی‌نمایند.

اینها افراد مسکین و مستضعفی از عامه مردم‌اند!

اینها انبوه ملت‌ها و امواج سهمگین جامعه بشری‌اند!

اینها عموم مردم‌اند! به تاریخ بازگردید و در صفحات آن بیندیشید..

آیا ملت فارس با اسلام جنگید یا آتش جنگ به دست کسری و اطرافیان سودجویش از قبیل وزیران، امیران و رجال دینی و بالطبع توسط ارتش تحت فشار آن افروخته شد؟ ملت فارس قرن‌های متمادی را سپری می‌کرد و معتقد بود که خدایش آتش است و نیز ایمان داشت که رهبرشان، کسری، از سلاله پاک و مقدس است و دین

صحیح، همان دین مزدک و پیروانش است.

روزها سپری شد و رسالت اسلام به صورت روشن و پاکیزه برایشان به ارمغان آمد و پرده از چشمانشان زوده گشت و آنگاه که موانع شنوایی شان که رهبران خودکامه بر گوشه‌هایشان گذاشته بودند، برطرف شده و اسباب گمراهی ناپدید گردید، دیری نیامید که عامه مردم دریافتند که چقدر در گمراهی و ضلالت بسر بردند و با چشم عقل خویش به عظمت شریعت و زیبایی اسلام پی بردند و از نزدیک به اخلاق رفیع پیامبر ﷺ و به حسن سلوک، سخنان و گفتارهای حکیمانه اش آگهی یافتند، از این رو از روی تمایل قلبی و عشق و علاقه درونی، اسلام را پذیرفتند نه از روی اکراه و خشم.

حقیقتاً به خدا سوگند یاد می‌کنیم که ما نیاز نداریم تا کسی را به اجبار وادار کنیم که وارد دین اسلام شود. و در صدد آن نیستیم تا عقیده ای را زیر سؤال ببریم، در عین حال که ما مأمور و موظفیم تا از این کار باز آییم. خداوند می‌فرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾^۱: «در (قبول) دین هیچ اجباری نیست، به راستی که راه راست (و هدایت) از راه انحراف (و گمراهی) روشن شده است.»

بنابراین راه راست از راه انحراف برای مردم فارس واضح گردید و آنان حقیقت را دریافتند و با وضوح تمام، حق را از باطل باز شناختند و اغلب ملت ایران فطرتی را که خداوند عزوجل در سویدای دل‌هایشان کاشته بود، بر گزیدند. ﴿فَطَرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۲: «فطرت الهی است، که (خداوند) مردم را بر آن آفریده است.»

از این رو بیشتر مردم ایران اسلام آوردند و جز سران کفر و پیشوایان ضلالت و گمراهی به انکار، تکذیب و مقاومت خویش ادامه ندادند.

ملت‌های شام، مصر، شمال آفریقا، و بلکه مسیحیان اندلس، اناضول و شرق اروپا

^۱ - مزدک فیلسوف معروف فارسی است و در ایام قباد پسر لوشیروان ظهور کرد و قباد را به سوی مذهب و تفکرش فرا خواند. لوشیروان کرد و چون لوشیروان از افتراهای آگهی یافت، او را تعقیب نمود و به قتلش رساند. او کسی بود که زنگ را حلال نموده و از آن برای علاج می‌نمست و همه مردم را شریک همدیگر می‌دانست. الوافی بالوفیات: ۳۵۲:۳.

^۲ - بقره/۲۵۶.

^۳ - روم/۳۰.

و همچنین مردم شرق و غرب آفریقا، اندونزی، سرزمینهای ملایو، هند و دیگر نقاط دنیا وضعیتی مشابه با مردم فارس داشتند.

براستی که حجت خداوند، پیروز و دینش غالب است؛ اما نه با شمشیر و اسلحه، بلکه با دلیل و برهان.

بنابراین کافی است که اسلام را بر آنان عرضه نمایی و احوال، اخلاق و طبیعت پیامبر بزرگوار ﷺ را برایشان توضیح دهی و این امر راهی برای هدایت سواد اعظم و انبوه جامعه بشری خواهد بود.

از این جا به مطلبی که پروردگاران در کتابش یادآور شده و وظیفه ای را که بر عهده انبیا گذاشته است، پی می‌بریم، چنان که می‌فرماید: ﴿فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا

الْبَلَاغُ الْمُبِينُ^۱﴾: «پس آیا بر پیامبران جز ابلاغ آشکار (مسئولیت دیگری) هست؟»

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ^۲﴾: «و بر (عهده ی

پیامبر (چیزی) جز ابلاغ آشکار نیست.»

و نیز فرموده است: ﴿فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ^۳﴾:

«پس اگر روی گردانید؛ بدانید که بر پیامبر ما جز ابلاغ آشکار چیز دیگری نیست.»

امثال این گونه موارد در قرآن بسیار است که بر شمردن آنها، سخن را به درازا

کشیده و دشوار می‌کند.

سوالی که ما بر آن اصرار داریم این است که چه اتفاقی پیش می‌آید اگر مسلمانان

از حمل رسالت خویش کوتاهی کنند و به شرح و توضیح شریعت نپردازند و اخلاق

پیامبرشان ﷺ را برای مردم جهان بیان نکنند؟

این کوتاهی دروازه ای را برای رهبران تفکرات انحرافی و پیشوایان گمراهی و

ضلالت می‌گشاید تا اسلام را از وجهه نظر خویش توضیح دهند و دین را به مردم

مشتبّه سازند.

^۱ - نحل/۳۵

^۲ - نور/۵۴

^۳ - مائده/۹۲

مردم به راهنما و رهبر نیاز دارند؛ پس چه پیش می‌آید اگر مؤمنان از وظیفه خویش در معرفی پیامبر و دین اسلام دست بکشند؟ لذا مردم در جستجوی رهبری - هر چند جاهل و نادان - هستند تا از او پیروی کنند.

رسول خدا ﷺ فرمود: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَنْتَزِعُهُ مِنَ الْعِبَادِ وَلَكِنْ يَقْبِضُ الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ حَتَّى إِذَا لَمْ يَبْقَ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُؤَسَاءَ جُهَالًا فَسُئِلُوا فَأَفْتَوْا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا)^۱: «همانا خداوند علم را نمی‌گیرد به اینکه آن را از میان مردم بردارد، و لیکن علم را با گرفتن و میراندن علماء از میان بر میدارد تا عالمی نماند و مردم رؤسای نادانی گیرند و آنان بدون علم فتوی دهند، پس خود گمراه شده و دیگران را هم گمراه نمایند.»

از این رو آن جملات زیبا و به جایی که صحابی جلیل القدر حضرت ربیع بن عامر^۲ بر زبان آورد که به سادگی نقش و وظیفه مسلمانان را در دنیا و زندگی توضیح می‌دهد، می‌فهمیم و درک می‌کنیم.

حضرت ربیع^۳ به طور اختصار این جملات را در جلو پادشاه ساسانی ایراد فرمود: «اللَّهِ ابْتَعْنَا لَنُخْرَجَ مِنْ شَاءٍ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ، وَمِنْ ضَيْقِ الدُّنْيَا إِلَى سَعَتِهَا، وَمِنْ جُورِ الْأَدْيَانِ إِلَى عَدْلِ الْإِسْلَامِ»^۴: «خداوند ما را فرستاده تا بندگان را از بندگی بندگان به سوی بندگی الله و از تنگی دنیا به سوی فراخی آن و از جور و ظلم ادیان به سوی عدل اسلام بیرون آوریم.»

قطعا این یک رسالت مهم و باشکوهی است که همیشه مسلمانان آن را نصب العین خویش قرار دهند.

در واقع اغلب کسانی که با ما می‌جنگند، ما را نمی‌شناسند و بیشتر کسانی که ما

^۱ - بخاری: باب کیف يقبض العلم (۱۰۰) مسلم: كتاب العلم: باب رفع العلم و قبضه (۲۶۷۳) از طريق عبدالله بن عمرو.

^۲ - ربیع بن عامر یکی از صحابه بزرگوار پیامبر خدا ﷺ بود و در فتح ایران حضور داشت و حضرت سعد بن ابی وقاص^۵ او را به عنوان سفیر نزد رستم فرستاد و حضرت احنف پس از فتح خراسان او را والی طخارستان قرار داد (الإصابة في تمييز الصحابة، ۲۵۶۷).

^۳ - البداية والنهاية ۴۳/۷.

را ناخوشبند می‌دانند از حقیقت امر ما آگاه هستند.

ما وظیفه داریم تا جایگاه و نقاط عظمت و کمال دین و پیامبران علیهم‌السلام را ابراز داریم. برماست تا خودمان از خود سخن بگوییم و اخلاق خودمان را با قلم خود بنویسیم و با زبان خود از پیامبران علیهم‌السلام صحبت کنیم.

من از چندین کتابخانه از کتابخانه‌های بزرگ اروپایی و امریکایی بازدید کردم تا کتابهایی را که در مورد اسلام و پیامبران با زبان انگلیسی و دیگر زبانها نوشته شده اند، ببینم و مطالعه کنم، من دهها و صدها کتاب را دیده ام، ولی با عرض تأسف اغلب این کتابها توسط غیر مسلمانان نوشته شده اند!.. افراد اندکی از آنان انصاف کرده و به دفاع پرداخته اند و اغلب آنان ستم روا داشته و راه انکار را پیش گرفته اند و به تکذیب و افترا پرداخته اند!

پس مسلمانان کجایند؟!

آیا یکی از صحنه‌های جهاد بزرگ این نیست که در دفاع از دین اسلام و از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطالبی نوشته شود تا برای همهٔ بندگان خدا پرده از زیبایی، کمال و جلال این دین و این پیامبر عظیم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برداشته شود؟

آیا بر ما لازم نیست تا این مجال را از تمام جوانب و با تمام تفصیلاتش تحت پوشش قرار دهیم؟

آیا وظیفهٔ ما نیست تا به داد این مساکینی برسیم که جهل و نادانی، آنان را کور ساخته و پردهٔ ظلمت را که بر دل‌هایشان سایه انداخته و در نتیجه از عظمت، اخلاق و شریعت اسلام محروم مانده اند از جلوی چشمانتان دور سازیم تا واقعیت و حقیقت را درست ببینند و آن را دریابند؟!

آیا وظیفهٔ ما نیست تا همهٔ این فضایل و مناقب را به تمام زبانهای مشهور و غیر مشهور دنیا توضیح دهیم تا حجت الهی را بر بندگانش اقامه نماییم؟

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ﴾؛

«ما هیچ پیامبری را، مگر به زبان قومش، نفرستادیم؛ تا (حقایق را) برای آنها بیان

کند.»

چگونه ما احساس دلنگی نکنیم در حالی که عامه مردم را می بینیم که هدفشان از زندگی فقط خوردن و نوشیدن و بهره بردن از متاع دنیا است و از عبادت پروردگارش غافل و بی خبرند؟

آیا پروردگاران، ما را در قبال میلیونها انسان مؤاخذه نخواهد کرد که از اسلام بی بهره اند و پیامبران ﷺ را ناگوار می دانند، چون آنان چیزی جز آنچه رسانه های یهودی و امثال آنان پخش می کنند، نمی شنوند و چیزی نمی خوانند جز آنچه با قلم مغرضان و بی دینان نگاشته می شود؟!

براستی که در چنین شرایطی وظیفه مان سنگین است و پیگردهای بزرگی را به دنبال دارد.

جهان نیازمند شریعت کامل و برتر ما است و محتاج رهبری پیامبران ﷺ است. همچنین وظیفه ابلاغ آسان نیست؛ زیرا دشمنان در کمین اند و معرکه بسیار سخت شده و ابلیس، آرام نمی نشیند؛ اما همه این اوضاع ما را نمی ترسانند؛ زیرا نصب العین ما فرموده پروردگاران است که فرموده است: ﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱: «و خداوند بر کارش چیره است، ولیکن بیشتر مردم نمی دانند.»

از خداوند می خواهیم تا این موضوعی را که دنبال کرده ایم، - آن را خالصانه در جهت خوشنودی خودش قرار دهد و یکی از صفحات درخشان دین ما را گشوده و از بخشی از جوانب سیره زیبای پیامبر بزرگوارمان ﷺ پرده بردارد.

تلاش ما بر این بوده تا در این کتاب از رحمت پیامبر اعظم و رسول بزرگوار ﷺ برای مسلمانان و غیر مسلمانان سخن بگوییم و از آن توصیف نماییم.

براستی که این یک صفحه درخشان و برگ زرینی است که گمان نمی کنم فلاسفه، اندیشمندان و ژرف اندیشانی امثال «افلاطون»^۲ در جمهوری خود، و

^۱- یوسف/۳۷.

^۲- افلاطون فیلسوف یونانی و از بزرگترین فلاسفه قدیم غرب بوده است تا جایی که فلسفه غرب چکیده افکار افلاطون به شمار می رود و از خلال کتیبه های خطی به دست آمده چنین فهمیده می شود که وی جامع فلسفه، شعر و فن بوده است از منبه ترین کتابهای وی «جمهوری افلاطون» است و در آن مدینه فاضله که تصور نموده است را به تصویر کشیده است.

«فارابی»^۱ در مدینه فاضله خویش و «توماس مور»^۲ در آرامانشهر دوشم حتی برای یک بار در تصورشان پدید نیامده است که امکان چنین واقعیتی در میان انسانها وجود داشته باشد و می‌توان گفت که حقیقت، کمال و واقعیتی که پیامبران به آن نایل آمده است، تصور یک هزارم آن در اذهان خطور نکرده است.

و ای کاش که مسلمانان ارزش گنجهایی را که در اختیار دارند می‌دانستند و به تحقیق و تطبیق آنها می‌پرداختند و سپس آنها را به شرق و غرب دنیا منتقل می‌کردند، آن گاه خود به سعادت دست پیدا کرده و نیز بشر را به سعادت و کمال، رهبری می‌کردند و سبب هدایت مردم به سوی پروردگار جهانیان قرار می‌گرفتند.

شیوه کار ما در تألیف این کتاب

این کتاب که در پیش روی شماست، یکی از موضوعات بسیار مهمی را دنبال می‌کند که، در عصر حاضر و بلکه در همه زمانها به آن نیاز داریم. موضوعی است که در ایجاد آرامش روحی و روانی، راحتی و سکون و حتی سعادت و خوشبختی انسانها، حکم پایه و زیر بنا را دارد و از اهمیت ویژه ای برخوردار است و خداوند متعال آن را معیار قرار داده است. موضوعی که بشریت تاکنون اهمیت آن را به خوبی نشناخته و درک نکرده است. این موضوع «رحمة للعالمین» بودن پیامبر مکرم اسلام است. چنان که خداوند متعال فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳: «و (ای پیامبر!) تو را جز

^۱ - ابونصر محمد فارابی (۲۶۰-۳۳۹هـ) از دانشمندان بزرگ فلسفه است و در علوم ریاضی نیز مهارت تام داشت و هر چند که پزشک نبوده ولی بد طولایی در زمینه علم طب نیز داشته است. به سرزمین فاراب که امروز بخشی از سرزمین ترکستان به شمار می رود، منسوب بوده است. از کتبهای مشهورش می توان «الذیفة الفاضل» را نام برد.

^۲ - توماس مور (۱۴۷۸م-۱۵۳۵م) از پارسیان، فیلسوفان و سیاستمداران انگلیس بوده و با کتاب «المدینه الفاضله اش» (آرامشهر) شهرت بیش کرده است.

^۳ - آتیاه/۱۰۷.

افراد خالی نبوده است. این انسان‌ها در هر جا دشمنان خیر و خوبی بوده و در هر وقت رهبران و دعوتگران به سوی تباهی، فحشا و رزیت بوده اند. این افراد، درونشان مرده، فطرتشان فاسد گشته و دل هایشان سیاه و چشمانشان کور شده است. از این رو برای خود و جامعه خویش راه گمراهی و تباهی را برگزیده و به شدت از هدایتگری که آنان را به سوی خیر و خوبی فرا می‌خواند، اعراض می‌کنند و تمام تلاش خویش را در جهت مبارزه با مصلحان و نیکان به خرج می‌دهند.

فرعون و هامان از همین گروه و ابوجهل و ابولهب از این دسته و کسری و قیصر از این سامان و حی بن اخطب و کعب بن اشرف از این قماش بوده اند.

عده ای از این سامان در لباس شاهان و سلاطین بروز کرده و جمعی در قالب علما و راهبان عرض اندام می‌کنند و گروهی دست به سلاح برده و به میدان مبارزه ظاهر می‌شوند و برخی دست به قلم شده و به افترا و طعنه گویی می‌پردازند. عده ای از این افراد یهودی، مسیحی، مشرک و مجوسی اند و دسته ای کمونیست که به طور کلی الوهیت خداوند را انکار می‌کنند، و چه بسا پاره ای از این افراد به ظاهر مسلمان، اما در واقع منافق اند. چنان که نمونه بارز این ادعا داستان عبدالله بن ابی بن سلول^۱ است.

این گروه بسیار خطرناک‌اند و پیوسته مسلمانان نیاز دارند تا اوراق و پرونده هایشان را فاش نموده و طرح‌ها و نقشه هایشان را برملا سازند و مردم دنیا را از شرارتها و پلیدیهایشان آگاه سازند.

با وجودی که خطر این دسته بسیار جدی است، اما به فضل خداوند تعدادشان بسیار اندک و غیر قابل ملاحظه است و در برابر تکذیب گران دین و اتهام آفرینان نسبت به انبیا و نیکان حیثیت چند قطره ای در دریای بیکران را دارند.

چنانکه فرعون و هامان در برابر ملت مصر، و ابوجهل و ابولهب در مقابل مردم مکه و کسری در برابر ساکنان عراق، فارس و اطراف آن و هرقل در مقابل مسیحیان شام، اناضول، بلقان و اروپا بسیار اندک و ناچیز بودند.

رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.»

بنابراین «رحمت» پیامبر ﷺ منحصر به زمان و مکان خاصی نبوده و بلکه از زمان بعثت تا روز قیامت مایهٔ رحمت برای همهٔ جهانیان بوده و خواهد بود. و از آن جایی که هر گروه و ملتی «رحمت» را بر حسب منافع و مصالح و از روزنهٔ خویش می‌شناسد، لازم است تا معیار ثابتی برای تعریف رحمت وضع گردد تا همگان در هنگام بروز اختلاف با آن حکم نمایند و قطعاً این معیار، کسی جز رسول خدا ﷺ نخواهد بود.

علاوه بر این، جهان امروز با تمام طبقات، کشورها و ساکنان آن در اغلب برخوردها و در مجالات گوناگونشان با فقدان رحمت مواجه اند و خشونت و بی‌رحمی، ظلم و بیدادگری از نشانه‌های بارز زندگی دنیا قرار گرفته است، با توجه به آنچه گفته شد تحقیق و کنکاش در مورد رحمت پیامبر یک نیاز جدی به شمار می‌رود تا راه برون رفتی برای بحران‌های پیوسته ای قرار گیرد که جهان امروز در همه جا با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

اضافه بر اهمیت این موضوع، شاهد تهاجمات و حملات بی‌رحمانه ای از طرف بسیاری از مردم شرق و غرب دنیا و چه بسا از سوی مسلمانان سکولار هستیم که پیامبر بزرگوارمان ﷺ را نشانه رفته اند، آنانی که نگران این امر هستند که رسول خدا ﷺ را به عنوان رهبر - نه تنها مسلمانان بلکه همهٔ - بشر ببیند. مدتی پیش شاهد کاریکاتورهای بی‌شرمانه ای از طرف دولت دانمارک بودیم و پس از آن پاپ کاتولیک‌های آلمان کلمات گستاخانه ای را بر زبان آورد و همواره شاهد افتراءات و دورغهایی در روزنامه‌ها و شبکه‌های ماهواره ای هستیم! بنابراین حادثه بسیار سخت و جانکاه است و رویداد وحشتناکی در پیش رواست و بشر متحمل چه خسارت سنگینی خواهد شد. اگر از ارزش و جایگاه بهترین مخلوق و بزرگترین پیامبر و مهربانترین موجودی که بر روی زمین پا گذاشته است، جاهل و بی‌خبر بماند!! حقا که وظیفهٔ مسلمانان سنگین است و این فقط در دفاع از پیامبر خلاصه نمی‌شود، هر چند که این نیز به نوبهٔ خود رسالتی مهم به شمار می‌رود؛ اما وظیفهٔ اساسی مسلمانان معرفی و توصیف این پیامبر بزرگوار ﷺ است تا جان میلیونها و بیلیونها انسان را که از شناخت این انسان بزرگ محرومند، نجات و رهایی بخشیم. باید به داد کسانی برسیم که خداوند را

بدون علم می‌پرستند و خود گمراه شده و سبب گمراهی دیگران قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب نقش این پژوهش و تحقیق در معرفی مسلمانان از این پیامبر بزرگوار منحصر نمی‌شود؛ بلکه پا را فراتر نهاده و نفع آن به همه انسانها باز می‌گردد و همگان از جوانب زیبایی سیره پیامبر ﷺ بهره خواهند بود.

به هنگام شروع این موضوع آرزو داشتم تا تمام صحنه‌های رحمت و مهرورزی در حیات پیامبر ﷺ را بر شمارم؛ اما این کار بسی دشوار و امری محال به نظر می‌رسید؛ زیرا حصر این موضوع با مفهوم دقیق آن، به معنای سخن گفتن از تمام لحظه‌های زندگی آن حضرت ﷺ است و این موضوع از نخستین روز بعثت نبی اکرم ﷺ آغاز می‌گردد و تا آخرین روز حیات مبارک ادامه می‌یابد؛ زیرا تمام لحظات و ذره‌های عمر مبارکش و در همه مواضع و رفتارها سرشار از رحمت و مهرورزی بوده است.

از این رو موضوع را جمع کرده و به گردآوری مطالبی پرداختم که ارتباط مستقیمی به موضوع «رحمت» داشته و در واقع این بحث، نمایش تصویری بی نظیر و بی مانند، و شیوه ای درخشان است از تعامل و برخورد آن حضرت ﷺ با اصناف بشر با اختلاف عقیده، قوم و ملیت، محیط زندگی و اوضاعی که در آن بسر برده‌اند.

لازم به یادآوری است که مراد از «رحمت» در این کتاب در تشریح اسلامی نیست، چون این مطلب از دایره بحث خارج است. از این رو از تیسیرات و آسان گیریهایی که در مسایل شرعی از آنها استنباط شده — گرچه از زبان مبارک خود آن حضرت ﷺ روایت شده‌اند — خودداری می‌کنیم؛ زیرا آنها نشأت گرفته از وحی الهی بوده و بیانگر رحمت خداوند نسبت به مخلوقاتش هستند. بلکه ما در این بحث می‌خواهیم رحمت و مهرورزی عملی رسول خدا ﷺ را برای تشریح و قوانین الهی به اثبات برسانیم و همچنین تلاشمان بر این است تا عطاوت و رحمتش را در قبال اشتباهات افرادی که در حق وی مرتکب شده‌اند و شفقت وی را در حرص و اشتیاق وی در تطبیق روح قانون زیبای اسلامی به تصویر بکشیم که چگونه در اجرای احکام از سختگیری و خشونت بدور بوده و همگی این موارد در فضایی خالی از افراط و تفریط انجام گرفته است.

بر خلاف بسیاری از مباحثی که به کمبود منابعی که مرتبط به موضوع آنان

می‌باشد، مواجه می‌شوند، بلکه دشواری این موضوع کاملاً متفاوت است؛ همچنین یکی از مشکلاتی که من در جمع آوری این کتاب با آن روبرو شدم، کثرت منابع و معلوماتی بود که به شکل قابل توجهی در دسترس بودند؛ زیرا صدها و هزاران جلد کتاب توسط دانشمندان و فقیهان مسلمان و غیر مسلمان در معرفی دقیق و توصیف کامل آن حضرت ﷺ نگاشته شده است که لحظه‌های عمر گرامی رسول خدا ﷺ را به نگارش در آورده اند و این چیزی است که در مورد شخصیت هیچ فردی جز نبی اکرم ﷺ نه در گذشته روی داده و نه در آینده روی خواهد داد.

بنابراین با توجه به کثرت کتابها و منابع نگاشته شده در این موضوع شیوه ای برای نگارش این کتاب اتخاذ نمودم که خلاصه ترتیب کارم به این نحو است:

۱- اعتماد من به شیوه ای اساسی در مورد مفهوم «رحمت» و ارتباط آن به حیات پیامبر ﷺ به مطالبی بوده است که در قرآن کریم ذکر شده است و همچنین ذکر آیاتی که در مناسبت‌های مشخصی نازل شده و ارتباط عمیقی با موضوع دارند و همچنین در شرح و توضیح آیات و فهم معانی آنها به تفاسیر معتبر مراجعه شده است، از قبیل تفسیر طبری، ابن کثیر، قرطبی و در صورت نیاز به دیگر تفاسیر ارزشمند.

۲- همچنین به مقدار امکان به روایاتی که در کتابهای حدیثی معتبر روایت شده و در وحله نخست و بلامنازع به صحیح بخاری و سپس صحیح مسلم و پس از آن به دیگر کتابهای گرانسنگی که در زمینه حدیث نگاشته شده است. از قبیل سنن ترمذی، نسایی، ابوداود، ابن ماجه، بیهقی و... و نیز کتب مسانید که در طلیعه آنها مسند احمد بن حنبل قرار دارد.

در نقل روایات حدیث نیز توثیق علمای ثقه اعم از گذشتگان و معاصران نیز مدنظر قرار گرفته و تا زمانی که روایتی به حد صحیح و یا حداقل مورد قبول یکی از علمای معتبر یا محدث ثقه ای نرسیده باشد، آن را در این تحقیق نیفزودم.

۳- منبع دیگر پس از کتابهای بی شمار و موثق حدیث، کتب مغازی، سیر، دلایل و شمایل بوده که رویدادهای فراوانی در این کتابها وجود دارد، اما ایراد این کتب برخی موارد ضعیف و حتی بی اساسی است که در آنها وجود دارد، از این رو تلاشم در جمع آوری این تحقیق - در حد توان - بر این بوده است تا هیچ مطلبی را از این کتابها نقل

نکنم مگر پس از آن که تصحیح آن را در کتابهایی که به ذکر روایات صحیحیه در زمینه سیرت یافته باشم و یا آن مطلب در کتب سیره که نویسندگان آن در نقد روایات و مقدم نمودن صحیح بر ضعیف تلاش داشتند، وجود داشته باشد، یا آن مطلب در کتابهایی در زمینه سیره وجود داشته که علمای معتبر علم حدیث بر آنان تعلیق زده و مورد تحقیق قرار گرفته اند.

۴- در این تحقیق از هر گونه حدیث و رویدادی که تخریح آن را نیافتیم، خودداری کردم.

در پایان از رویدادهای بزرگ، یا گفتارهای حکیمانۀ رسول اکرم ﷺ که در صورت سهو و اشتباه و بدون قصد از نیش قلم افتاده است، یا احکام مهم فقهی که در خاطرم پدید نیامده است تا آن‌ها را بنویسم، پوزش می‌خواهم؛ زیرا نقص و ضعف از سرشت انسان است و به صورت مطلق، کمال فقط از صفات خداوند است.

تسکین دهنده من گفته بجایی است که علامه عماد اصفهانی^۱ آن را ذکر فرموده است: «من ندیدم که کسی کتابی را بنویسد مگر این که پس از آن بگوید: اگر این مطلب جایجا می‌شد بهتر بود و اگر این افزوده می‌گشت، زیباتر بود، و اگر این مطلب جلوتر ذکر می‌شد، مناسبتر بود و اگر این مورد حذف می‌شد، جالب‌تر می‌شد که این خود از بزرگ‌ترین اندرزهاست و دلیل غلبه نقص بر بنی نوع انسانی است.»^۲

^۱ - علامه عماد اصفهانی، محمد بن صفی الدین، ادیب و فقیه شافعی منزه بوده است و در اصفهان بزرگ شده و در نوران کودکی به بغداد سفر کرده و با حاکم عادل، نورالدین محمود و همچنین با سلطان صلاح الدین آشنا شده است.

^۲ - ایجدالعلوم (۷۰/۱).